

رفتار پیامبر اکرم (ص) با اهل کتاب در نگاه قرآن کریم

دکتر رضا فرشچیان
استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

خدای تعالی در قرآن کریم بنا به حکمت خویش برای رفتار با اهل کتاب به پیامبر (ص) و نیز مؤمنان دستورهایی داده است. سیر نزولی آیاتی که در بردارنده این دستورهاست. از پیشی گرفتن مدارا بر شدت در رفتار با اهل کتاب، حکایت دارد. دستور به رفتارهای مداراجویانه را می‌توان در فرمان به مجادله احسن، فراخوانی به مشترکات دینی، دعوت به عفو و گذشت و شکیبایی، دوری از لجاجت و موکول کردن امور به خدای تعالی یافت. پس از طی مدارا برخوردها متفاوت می‌گردد؛ به گونه‌ای که فرمان به پیروی نکردن و دوست نگرفتن از آنان صادر شده به عیجوبیه‌های آنان پاسخ داده. و از پیامبر (ص) خواسته می‌شود برای آنان اندوهگین نباشد و سرانجام، فرمان مبارزه با اهل کتاب و دریافت جزیه صادر می‌گردد.

کلید واژه ها: پیامبر اکرم (ص)، اهل کتاب، رفتار با اهل کتاب، مدارا.

مقدمه

پیامبر اکرم (ص) اگرچه بیشتر با مشرکان رو به رو بودند در بخشهایی از سرزمین حجاز، اهل کتاب بویژه یهودیان ساکن بودند. قرآن کریم بنا به مقتضای حال و حکمت به پیامبر (ص) و سایر مسلمانان درباره رفتار با اهل کتاب دستورهایی صادر کرده است. نویسنده در این نوشتار در صدد است با ملاحظه سیر نزولی قرآن کریم این رفتارها را بیان کند و با ملاحظه اینکه از دید قرآن کریم، همه اهل کتاب یکسان نیستند (بقره/ ۱۰۹؛ آل عمران/ ۶۹/ ۷۵/ ۷۹/ ۱۱۳/ ۱۹۹) تلاش شده است در حد امکان به مراد از مصادیق آیات و تعبیراتی چون اهل الکتاب، اوتوا الکتاب و همانند آن پی برده شود.

۱- مدارا

۱-۱- مجادله أحسن

ظاهراً نخستین باری که خدای تعالی در قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان دستور به رفتار با اهل کتاب داده است در آیه ۴۶ سوره عنکبوت است: «و لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالکلی هی احسن»

صاحب مجمع مراد از اهل کتاب را در این آیه، مسیحیان بنی نجران دانسته است و به نظر دیگری هم که مراد از آیه را یهودیان و مسیحیان می‌داند، اشاره کرده است. علامه طباطبایی می‌نویسد: بنا بر اطلاق، این عبارت، یهودیان و مسیحیان را در بر می‌گیرد و مجوسی‌ها و صائبی‌ها نیز به آنها ملحق هستند (طبرسی، بی‌تا، ج ۸: ۴۴۹ و طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶: ۱۳۷).

مراد از مجادله أحسن، اتخاذ شیوه‌ای بهتر در برخورد با آنان، همانند نرمی در مقابل خشونت و خویشتن‌داری در برابر غضب است (زمخشری، ۱۴۲۶: ۸۲۰).

مجادله، هنگامی أحسن تلقی می‌شود که دربردارنده تندی و طعنه و اهانت نباشد و با زبانی نرم انجام پذیرد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶: ۱۳۷). در ادامه آیه، خدای تعالی این برخورد را مخصوص آنان قرار داده است که ظالم نیستند: الا الذين ظلموا منهم؛ مراد از این استثنا کسانی هستند که در جدال یا جز آن به پیامبر (ص) ظلمی کرده‌اند که تندی را می‌طلبند (طبرسی، بی‌تا، ج ۸: ۴۴۹). و بنا به تعبیر زمخشری اینان کسانی هستند که در دشمنی و لجبازی زیاده روی می‌کنند و نصیحت را نمی‌پذیرند و مدارا با آنان معنی ندارد. بلکه آنها جدال نیکو را نوعی خواری و ذلت به شمار می‌آورند (طباطبایی، ج ۱۶: ۱۳۸).

در ادامه، خداوند، نوعی مجادله أحسن را به پیامبر اکرم و مسلمانان آموزش می‌دهد. مبنای این نوع برخورد، تکیه بر نقاط مشترک است که در ادامه از آن یاد خواهد شد.

برخی آیه مورد گفتگو را منسوخ به آیه ۲۹ از سوره توبه دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۲۶: ۸۲۱) اما شیخ طوسی بر نسخ آن دلیلی نیافته است. ابوالفتح رازی می‌نویسد: «به اول نوبت دعوت باید کردن و ایشان را به حجت (با راه) حق خواندن و آنچه طریق محاجد و اظهار محبت است بر ایشان عرض کردن چون قبول نکنند، آنگه قتال کردن» (رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵: ۲۱۸).

۲-۱- تکیه بر مشترکات

از راهکارهایی که قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان را در رفتار با اهل کتاب به آن فراخوانده، تکیه بر مشترکات دینی مسلمانان با آنان است. این سخن در آغازین آیاتی مورد تأکید قرار گرفته که در آنها بحث از رفتار با اهل کتاب آمده است. ادامه آیه ۴۶ سوره عنکبوت چنین است: «و قولوا آمناً بالذی أنزل الینا و أنزل الیکم و الهنا الله واحد و نحن له مسلمون»

در این بخش بر وجه مشترک همه ادیان الهی، یعنی پرستش خدای یگانه تأکید و گرد آمدن بر مدار آن خواسته شده است.

سوره آل عمران، که از نخستین سوره‌های مدنی است (زرکشی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱: ۱۳۹) بیشترین مباحث را درباره اهل کتاب در خود جای داده است. نخستین آیات این سوره در مورد اهل کتاب، فراخوانی به گرد آمدن بر مدار امور مشترک است: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (آل عمران/۶۴). همانند آیه ۴۶ سوره عنکبوت، که سخن در یگانه بودن معبود است در اینجا نیز «کلمه» را به پرستش نکردن جز خدا و دوری از شرک بیان می‌فرماید: أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا: اینکه جز او پروردگاری را برای خود نگیرید (زمخشری، ۱۴۲۶: ۱۷۶).

با ملاحظه سبب نزول در این آیه، مراد از اهل کتاب، یهودیان مدینه هستند. این همان نظری است که شیخ طوسی آن را بنا به روایات شیعه می‌داند. جمعی همانند حسن بصری و سدّی آیه را درباره مسیحیان نجران دانسته‌اند. جایی با ملاحظه ظاهر سخن، مراد از اهل کتاب را دو گروه یهود و نصاری می‌داند. امام فخر رازی نیز بر نخستین رأی است.

۳-۱- فراخوانی به عفو، گذشت و صبر

چنین به نظر می‌رسد که سوره بقره (نخستین سوره مدنی)، (زرکشی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۱۳۹) پس از سوره عنکبوت، نخستین سوره‌ای است که در آن از رفتار با اهل کتاب سخن به میان آمده است. با وجود اینکه در آیات ۱۰۵ و ۱۰۹ سوره بقره از اکراه شدید اهل کتاب و حسد آنان نسبت به مسلمانان سخن گفته شده است، مسلمین را تا صدور فرمان الهی به عفو و گذشت امر کنند: مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَلَ عَلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكَ^(۱) وَكَثِيرٌ مِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوِ يَرَدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا

وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^(۲).

با ملاحظه سبب نزول آیات ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره بقره، «اهل کتاب» در این آیات، یهودیان را در بر می‌گیرد (سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۵۳-۲۵۲)؛ (زمخشری، بی‌تا، ۱۴۲۶: ۹۰) (رازی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۰۶) (طبرسی ج ۱: ۳۵۳-۳۴۴) (طباطبایی، ج ۱: ۲۴۸). ممکن است به دلیل آیات ۱۱۱ و ۱۱۳، که در آنها سخن از یهود و نصاری به میان آمده است، مراد از اهل کتاب در آیه‌های ۱۰۵ و ۱۰۹ هر دو گروه از یهودیان و مسیحیان باشند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۸). این همان نظری است که شیخ طوسی در تفسیر آیه ۱۰۹ آن را نقل کرده است (طوسی، ج ۱: ۴۰۵).

بیشتر صحابه و تابعین، مراد از «امر» را در آیه ۱۰۹، دستور به مبارزه با اهل کتاب دانسته‌اند؛ اگرچه برخی نیز آن را به مجازات روز قیامت و یا نیرو گرفتن پیامبر اکرم (ص) و مسلمین تفسیر کرده‌اند (رازی، ج ۳: ۲۴۵) (طبرسی، ج ۱: ۳۵۳). در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران نیز مسلمانان به صبر و تقوی در مقابل گفته‌های آزاردهنده اهل کتاب و مشرکان توصیه شده‌اند: وَتَسْمَعْنَ مِنَ الَّذِينَ آوَتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ مِنْ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ^(۳)

این آیه درباره سخنان ایدایی است که از ناحیه یهود و نصاری متوجه شخص پیامبر اکرم (ص) می‌شده است (رازی، ج ۹: ۱۲۸) (طبرسی، ج ۲: ۹۰۳).

امام فخر رازی دو وجه در تأویل این آیه ذکر کرده است: نخست: صبر بر آزار و ترک معارضه و رویارویی است؛ چرا که به ایمان آوردن آنها بهتر کمک می‌کند. از سخن واحدی^(۴) چنین برمی‌آید که این آیه با آیه سیف^(۵) نسخ شده است.

فقال نسخ را درست نمی‌داند و می‌نویسد: مسلمانان در برابر آزارهایی که از ناحیه سخنان آنها متوجه رسول اکرم (ص) می‌شد، امر به صبر شدند و اینکه در بسیاری از احوال با آنان مدارا کنند و دستور به مبارزه با آنها با این نمونه شکیبایی منافاتی ندارد.

امام فخر رازی با اطمینان تمام، سخن واحدی را ضعیف دانسته و با قفال هم‌رای است. این شیوه رفتاری دقیقاً همان مطلبی است که عقل آدمی به آن اقرار دارد؛ چرا که برخورد با افراد از رفتار نرم آغاز، و در صورت به نتیجه نرسیدن، شدید خواهد شد.

۴-۱- ابلاغ پیام و دوری از لجاجت

در قرآن کریم، اهل کتاب به اسلام فراخوانده شده‌اند (آل عمران / ۲۰؛ نساء / ۴۷). اسلام مایه هدایت آنان و به سود خود ایشان است (آل عمران / ۲۰، ۱۱۰) ایمان و تقوی، بدیهای آنها را می‌زداید و سبب ورود آنان به بهشت خواهد شد (مائده / ۶۵) و اگر کفر بورزند،^(۶) ضرری متوجه خداوند نخواهد شد؛ چرا که او بی‌نیاز و ستوده است (نساء / ۱۳۱). خدای تعالی به پیامبر عظیم الشان خویش می‌فرماید: و ان تولوا فانما علیک البلاغ المبین: اگر روی گردانیدند جز این نیست که بر توست پیغام رسانیدن (آل عمران / ۲۰). برخی این آیه را نوعی مسالمت و به تعبیری مدارا با اهل کتاب دانسته‌اند که به آیه سیف نسخ شده است؛ اما «ابن عطیه» آیه را مطلق دانسته است که قتال و جنگ را نیز در برمی‌گیرد.

البته ظاهر آیه نیز مدارا را تأیید می‌کند بویژه بخش نخست آیه که پیامبر(ص) را از بحث و مجادله با مسیحیان نجران^(۷) باز می‌دارد^(۸): فان حاجوک فقل اسلمت وجهی لله و من اتبعن.

علامه طباطبایی «و ان تولوا فانما علیک البلاغ المبین» را نهی از مرء و اصرار در محاجه می‌داند؛ چرا که گفتگو با کسی که منکر ضروریات است، جز لجاج نیست.

۵-۱- موکول کردن امور به خدای تعالی

در آیات ۹۸ و ۹۹ سوره آل عمران، خدای تعالی از پیامبر اکرم(ص) می‌خواهد که از اهل کتاب دلیل کفر به آیات الهی و بازداشتن از راه خدا را خواستار شود. در

پایان هر دو آیه به نظارت خداوند بر کارهای آنان اشاره شده است: والله شهید علی ما تعملون (آل عمران / ۹۸) و ما الله بغافل عما تعملون (آل عمران / ۹۹) اگرچه این آیات تهدید و توبیخ اهل کتاب است (طبرسی، ج ۲: ۸۰۱ زمخشری: ۱۶۸؛ رازی، ج ۸: ۱۵۸) و بنا به تعبیر ابن عطیه در صفحه ۳۳۵ وعید محض است، چنین به نظر می‌رسد که با این ابلاغ پیام الهی توسط پیامبر گرامی(ص)، مؤمنان فعلاً از رویارویی با اهل کتاب باز داشته شده و اهل کتاب از پیامدهای سوء کارهایشان بر حذر داشته شده‌اند. اگر این دو آیه با آیه: قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و بالیوم الآخر... من الذین اوتوا الکتاب... (توبه / ۲۹) مقایسه شود، مدارا کاملاً مشاهده خواهد شد.

۲- گذر از مدارا

در برخی از آیات قرآن کریم، توصیه به پیامبر اکرم(ص) و مسلمانان در نرمش و مدارا با اهل کتاب مشاهده نمی‌شود؛ بلکه بتدریج شیوه رفتار با اهل کتاب شدیدتر می‌گردد تا جایی که دستور رویارویی با آنان صادر شده است و این چیزی نیست جز نتیجه قهری رفتارهای آنان؛ برای نمونه در آیه ۷۲ سوره آل عمران آمده است که برخی از آنها به یکدیگر می‌گفتند اول روز به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، ایمان آورید و پایان روز انکار کنید تا شاید آنها از راه خویش برگردند: قالت طائفة من اهل الکتاب آمنوا بالذی انزل علی الذین آمنوا وجه النهار و اکفروا آخره لعلهم یرجعون.

با ملاحظه سبب نزول، این آیه در مورد جمعی از یهودیان است که برای ایجاد شک و شبهه در میان مسلمانان به اسلام روی می‌آوردند و در نماز صبح شرکت می‌کردند و در پایان روز کفر خویش را آشکار می‌کردند و خدای تعالی بدین وسیله برده از اسرار آنان برداشت (سیوطی، ج ۲: ۲۴۱-۲۴۰؛ زمخشری: ۱۷۷؛ شوکانی،

ج ۱: ۳۵۲) و یا جمعی دیگر از ایشان (یهود مدینه) به تحریف کتاب اقدام نمودند و بر خداوند دروغ بستند (سیوطی، ج ۲: ۲۴۹؛ زمخشری: ۱۷۹؛ شوکانی، ج ۱: ۳۵۴): و
 إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُونُ السُّنْتَهْمَ بِالْكِتَابِ لِحَسْبِهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَ
 يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^(۹)
 (آل عمران/ ۷۸) و یا اینکه باز، برخی از یهود مدینه برای جلب رضایت مشرکان مکه
 در جهت جنگ با پیامبر (ص)، بت پرستی قریش را از ایمان به پیامبر (ص) بهتر دانسته
 بر بتان آنها سجده می کنند: (زمخشری: ۲۴۱؛ سیوطی، ج ۲: ۵۶۴ - ۵۶۲؛ شوکانی،
 ج ۱: ۴۷۸؛ طوسی، ج ۳: ۲۲۳): أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ
 بِالْحَبِيبِ وَالطَّاعُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا^(۱۰)
 (نساء/ ۵۱).

۱-۲- پیروی نکردن از اهل کتاب

در مسأله تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه مشرفه، خدای بزرگ، نخست به
 پیامبر اکرم (ص) می فرماید: اگر برای اهل کتاب هر نشانه‌ای بیاوری آنها از قبله تو
 پیروی نمی کنند و تو پیروی از قبله آنان^(۱۱) نمی کنی و در ادامه می آید: اگر پس از
 علم از هواهای آنان پیروی کنی از ستمکاران خواهی بود (بقره/ ۱۴۵) شیخ طوسی
 در تفسیر بخش آخر آیه به سه نظر اشاره کرده است: نخستین رای، این پیروی را
 (گرچه به احتمال^(۱۲)) بر اساس مدارای پیامبر (ص) با اهل کتاب در جهت ایمان
 آوردن آنها تفسیر می کند: لئن اتبعت أهواءهم فی المداراة لهم حرصاً علی أن یؤمنوا.
 بنابراین رای، این آیه مبارکه حدی برای مدارا با اهل کتاب به شمار می آید.
 یکصدمین آیه از سوره آل عمران به مسلمانان هشدار می دهد که اگر از گروهی
 از اهل کتاب اطاعت کنند، آنان مؤمنان را از ایمان به کفر سوق می دهند: یا ایها
 الذین آمنوا ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الكتاب یرذوکم بعد ایمانکم کافرین.

سب نزول آیه نشان می دهد که جمعی از یهود برای بر هم زدن آرامش مسلمانان
 درصدد ایجاد فتنه مجدد میان اوس و خزرج بودند. پیامبر (ص) با سخن خویش آنان
 را از تفرقه بازداشت و خداوند، مؤمنان را از پیروی آنها منع کرد (زمخشری، بی تا:
 ۱۸۶؛ سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۸۰-۲۷۸).

آیه مبارکه نشان می دهد که اگر رابطه با غیرمسلمانان به حد اطاعت از آنان برسد،
 نتیجه آن جز بازگشت از ایمان نیست. شیخ طوسی می نویسد: این آیه بیان می کند که
 هر کس ایشان را اطاعت کند، این اطاعت او را به ارتداد از دین سوق خواهد داد.

همچنین در آیه ۵۱ سوره مائده، خدای تعالی، مؤمنان را از دوستی گرفتن و
 اختلاط با یهود و نصاری منع کرده است: یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و
 النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم^(۱۳).

دیگر اینکه خدای تعالی در آیه ۵۷ از سوره مائده، مسلمانان را از دوست گرفتن
 از آنان که اسلام را به تمسخر و بازی گرفته اند، باز داشته است؛ خواه از مشرکان
 باشند یا از اهل کتاب (زمخشری، بی تا: ۲۹۷): یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین
 اتخذوا دینکم هزواً و لعباً من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و الکفار، اولیاء....

این آیات می رساند که «ایمان» خط قرمز رفتار با اهل کتاب است. اگر ایمان به
 خطر افتد باید از دوستی و مماشات با آنان پرهیز نمود.

۲-۲- پاسخ به عیبجوییهای اهل کتاب

در سوره مائده (از آخرین سوره های قرآن از نظر نزول^(۱۴)) با شدت و تندى از اهل
 کتاب یاد شده است. در آیه ۵۹، خداوند از رسول گرامی (ص) می خواهد که علت
 کراهت و عیبجویی آنان از مسلمانان را به ایشان گوشزد کند: قل یا اهل الكتاب هل
 تقمون منا الا ان آمننا بالله و ما انزل الینا و ما انزل من قبل و ان اکثرکم فاسقون^(۱۵)
 در آیه بعد خداوند از پیامبر (ص) می خواهد که به آنها (یهود) بفرماید اگر قرار

الجزية تؤخذ منهم: بدون هیچ اختلافی جزیه از آنان (مجوسی‌ها) گرفته می‌شود (ابن عطیه: ۸۳۶ شوکانی، ج ۲: ۳۵۱) و نیز (میدی، ج ۴: ۱۱۵).

در آیه مورد بحث، علت مبارزه با اهل کتاب و دریافت جزیه در ۱- ایمان نیاوردن به خدا و روز قیامت ۲- حرام نشمردن آنچه خدا و رسول حرام شمرده‌اند ۳- اختیار نکردن دین حق، قرار گرفته است: قاتلوا الذین لا يؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون^(۱۷)

ممکن است بر علت نخست این اشکال وارد شود که چگونه می‌توان گفت اهل کتاب به خداوند و روز قیامت ایمان ندارند؛ علامه طباطبایی در بیان این دلیل می‌نویسد: «ظاهراً علت اینکه ایمان به خدا و روز جزا را از اهل کتاب نفی می‌کند، این است که اهل کتاب، توحید و معاد را آن طور که باید، معتقد نیستند؛ هر چند اعتقاد به اصل الوهیت را دارا هستند (طباطبایی، ج ۹: ۳۱۷).

روشن است که این دستور شدید، یکباره صادر نشده است، بلکه پس از دوران طولانی مدارا و پس از بی‌توجهی به نصایح خداوند و رسول اکرم و همکاری با دشمنان دین خدا صادر شده است.

۳- نتیجه

با نگاه به آنچه در این نوشتار گذشت، نتیجه می‌گیریم که رفتار پیامبر (ص) با اهل کتاب و بویژه یهود، نخست از رفتار همراه با نرم‌خوبی و مدارا آغاز شده و با دعوت به اسلام و خیرخواهی برای آنان ادامه یافته است ولی با ملاحظه بی‌توجهی آنها به نصیحت‌های پیامبر (ص)، که گاه به همکاری با مشرکان نیز کشیده می‌شد، آهنگ برخورد با آنان شدت می‌یابد تا آنجا که به دستور مبارزه با آنان و دریافت جزیه منتهی می‌شود.

است شما از کسی کراهت داشته باشید و عیب بگیرید، عیبجویی را متوجه خود کنید؛ چرا که اسباب آن در شما یافت می‌شود (طباطبائی، ج ۶: ۲۹): قل هل أتینکم بشر من ذلک مثوبةً عند الله، من لعنه الله و غضب علیه...

۲-۲- تأسف نخوردن بر اهل کتاب

روند اعتراض به اهل کتاب در سوره مائده، ادامه می‌یابد تا جایی که در آیه ۶۸ خدای تعالی از پیامبر می‌خواهد که به آنها بفرماید: تا زمانی که (حکم) تورات و انجیل و آنچه را خداوند بر آنها فرو فرستاده بر پا ندارند، بی‌ارزش هستند: قل یا اهل الکتاب^(۱۶) لستم علی شیء حتی تقیموا التوراة و الانجیل و ما انزل الیکم من ربکم. خداوند در پایان آیه، پیامبر (ص) را تسلی می‌دهد که برای کافران اندوهگین

نباشد (طوسی، ج ۳: ۵۹۱): فلا تأس علی القوم الکافرین. الفاظ آیه: لستم علی شیء، فلا تأس... از تندی برخوردار با آنان حکایت دارد. زمخشری، «لستم...» را حاکی از تحقیر و کوچک شمردن می‌داند و «فلا تأس...» را به تأسف نخوردن بر زیادی کفر و طغیان آنان تفسیر کرده است.

۲-۴- مبارزه با اهل کتاب

سوره توبه همانند سوره مائده از جمله آخرین سوره‌های قرآن کریم از نظر نزول است (زرکشی، ج ۱: ۱۴۰). آهنگ اعتراض و شدت بر اهل کتاب در این سوره تا حدی است که مؤمنان به مبارزه با آنان و دریافت جزیه مأمور شده‌اند (توبه/۲۹).

مفسران شیعه و اهل سنت، حکم جنگ و قتال و دریافت جزیه از اهل کتاب را شامل یهودیان و مسیحیان می‌دانند و دانشمندان شیعه حکم مجوسیان را نیز همانند حکم آنان دانسته‌اند (طوسی، ج ۵: ۲۰۲؛ طبرسی ج ۵: ۳۴؛ طباطبایی، ج ۹: ۲۳۷؛ زمخشری: ۴۲۹؛ ابن عطیه: ۸۳۶). دانشمندان اهل سنت نیز به دریافت جزیه از مجوسیان معتقد هستند. از «ابن منذر» نقل شده است که می‌گوید: لا اعلم خلافاً آن

یادداشتها

- ۱- دوست نمی‌دارند آنان که کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما (ترجمه دهلوی: ۲۳).
- ۲- دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند شما را بعد از ایمان شما به سبب حسد از نزدیک نفوس خود پس از آنکه واضح شد بر ایشان حق؛ پس عفو کنید و درگذرید تا آنکه آرد خدا فرمان خود را (همان).
- ۳- ... و خواهید شنید از آنان که کتاب داده شده‌اند پیش از شما و از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید هر آینه این خصلت از کارهای مقصود است (ترجمه دهلوی: ۱۰۷).
- ۴- علی بن احمد و احمدی م / ۴۶۸ ق نویسنده یکی از شناخته شده‌ترین کتابهای اسباب النزول است. وی در نیشابور متولد شده و همانجا از دنیا رفته است. ذهبی او را امام دانشمندان تأویل دانسته است. کتابهای بسط، وسیط و وجیز او در تفسیر است (زرکلی، ج ۴: ۲۵۵).
- ۵- آیه ۵ سوره توبه، آیه سیف یا قتال نامیده می‌شود.
- ۶- درباره اشمال فعل و تکفروه در این آیه بر اهل کتاب بنگرید به: (زمخشری: ۲۶۴).
- ۷- بنا به سخن شیخ طوسی، نظر همه مفسرین این است که این آیه درباره هیئت مسیحیان نجران است (ج ۲: ۴۲۰).
- ۸- برای تفصیل بیشتر نک: مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲: ۴۷۵.
- ۹- و هر آینه از اهل کتاب گروهی هستند که می‌پسند زبان خویش را به (خواندن) کتاب تا گمان کنید که آن از کتاب است و نیست از کتاب و می‌گویند که این از نزد خداست و نیست آن از نزد خدا، دروغ می‌گویند بر خدا و حال آنکه ایشان (آن را) می‌دانند (ترجمه دهلوی: ۸۶).
- ۱۰- آیا ندیدی به سوی کسانی که بهره از کتاب داده شدند ایمان می‌آورند به بت و معبود باطل و می‌گویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده‌ترند از مسلمانان (ترجمه دهلوی: ۱۲۴).
- ۱۱- مراد قبله هر دو گروه یهود و نصاری است (زمخشری: ۱۰۳؛ سیوطی، ج ۱: ۳۵۶).
- ۱۲- زمخشری: ۱۰۲.
- ۱۳- ای مؤمنان دوست مگیرید یهود و نصاری را، بعض ایشان دوست بعضند و هر که از شما دوست دارد ایشان را پس هر آینه او از جمله ایشان است (ترجمه دهلوی: ۱۶۸).
- ۱۴- زرکشی، ج ۱، ص ۱۴۰.
- ۱۵- بگو ای اهل کتاب عیب نمی‌گیرید بر ما مگر آنکه ایمان آوریم به خدا و به آنچه فرو فرستاده شده است به سوی ما و به آنچه فرو فرستاده شده است پیش از این و مگر آنکه بیشتر شما بدکارانند (ترجمه دهلوی: ۱۷۰).
- برای تفسیر آیه و احتمالات آن بنگرید: (طوسی، ج ۳: ۵۷۰؛ زمخشری، ۲۹۷).
- ۱۶- سبب نزول آیه نشان می‌دهد که مخاطب پیامبر (ص) جمعی از یهود بودند که به گمان خود به تورات مؤمن بوده‌اند (نک: سیوطی، ج ۶: ۱۲۰؛ طوسی ج ۳: ۵۸۹).
- ۱۷- برای تفسیر قتال با اهل کتاب و دریافت جزیه (طباطبایی، ج ۹: ۲۲۱-۲۴۰)

منابع

- القرآن الکریم و ترجمه معانیه الی اللغة الفارسیة (۱۴۱۷ ق). مترجم شاه ولی الله دهلوی، مدینه منوره، چاپخانه قرآن کریم.
- ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۳ ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار ابن حزم.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد، آستان، قدس رضوی.
- رازی، محمدبن عمر. *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- زرکشی، بدرالدین (۱۴۲۷ ق). *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، المکتبة العصریة.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۲ م). *الاعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۲۶ ق). *الکشاف من حقائق التنزیل*، بیروت، دارالمعرفه.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۳ ق). *الدر المشور فی التفسیر المأثور*، بیروت، دار الفکر.
- طباطبائی، سلیمانمحمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- طوسی، فضل بن حسن. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طوسی، محمدحسن. *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، بی تا.
- میبدی، ابوالفضل (۱۳۶۳ ش). *کشف الاسرار و عدة الایران*، تهران، امیر کبیر.

